

گزارش تحلیلی «فرهیختگان» ازوضع برخی کالاهای اصلی و مصارف انرژی درکشور

ایران صدر جدول لیگ جهانی هدر دادن منابع



مهدی عبداللهی
دبیرگروه اقتصاد

در روزهای گذشته حضرت آیت الله خامنه‌ای در سخنان تلویزیونی خود با توصیه به حمایت از رئیس‌جمهور و دولت گفتند کار اداره کشور سخت و سنگین است و دولت نیز کارهای خوبی از جمله ادامه کارهای نیمه‌تمام شهید رئیسی را شروع کرده که ان‌شاءالله نتایج آن را مردم خواهند دید. بخش قابل تأمل صحبت‌های ایشان مربوط به پرهیز از اسراف بود. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ضمن توصیه مردم ایران برای پرهیز از اسراف در همه موارد از جمله نان، گاز، بنزین و اقلام خوراکی افزودند: «اسراف از مهم‌ترین خطرها و ضررها برای خانواده‌ها و کشور است، اگر این همه اسراف نباشد، بدون شک اوضاع کشور خیلی بهتر خواهد بود.» «فرهیختگان» در همین خصوص به سراغ بررسی برخی از داده‌های رسمی کشور و داده‌های جهانی در چندین حوزه مصرف رفته‌است. آمارها بسیار قابل تأمل است. دربرخی بخش‌ها مصرف بعضاً بین ۲۰ تا ۴۰ درصد و حتی ۵۰ درصد و در مواردی دو برابر میانگین جهانی است. آنچه از تحلیل‌های کارشناسی برداشت می‌شود این است که کاهش این اسراف علاوه بر توصیه، آموزش و فرهنگ‌سازی، نیاز جدی به اصلاحات اقتصادی و در یک کلمه «توجه به اقتصاد انرژی» دارد. در این خصوص نگاهی به مواضع رهبر انقلاب نیز نشان می‌دهد ایشان از سال‌ها قبل و در دولت‌های مختلف، در کنار توصیه به مردم برای جلوگیری از اسراف، به دولت‌ها توصیه کرده‌اند اقتصاد انرژی را جدی گرفته و اصلاحات را برای جلوگیری از اسراف به سرانجام برسانند.

شدت انرژی ۵۰ درصد بالاتر از جهان

از آنجایی که محاسبه میزان هدررفت انرژی به تکنیک بخش‌های اقتصادی و به تفکیک حامل‌های انرژی دشوار بوده، در این گزارش سعی شده است از شاخص کلی‌تر و مهم‌تر برای ارزیابی مصرف انرژی استفاده شود. یکی از آن‌ها، شاخص شدت مصرف انرژی است. شدت مصرف انرژی، مهم‌ترین شاخصی است که میزان بهره‌وری و کارایی انرژی در یک اقتصاد را منعکس می‌کند. این شاخص برای اندازه‌گیری میزان مصرف انرژی به ازای هر واحد تولید ناخالص داخلی کشورها (GDP) محاسبه می‌شود. براساس گزارش بانک جهانی (شاخص شدت انرژی اولیه) که بر اساس تولید ناخالص داخلی بر حسب نرخ ارز و برابری قدرت خرید محاسبه شده، ایران تا انتهای سال ۲۰۲۱ با رقم ۹ مگاژول به ازای هر دلار تولید ناخالص داخلی جزء اقتصادهای با شدت بالای مصرف انرژی بوده است. عدد ۹ مگاژول در حالی بوده که این رقم در سطح جهان ۵ مگاژول است. همچنین شاخص مذکور برای کشور ترکیه در سال ۲۰۲۱ حدود ۲ مگاژول بوده است. طبق داده‌های بانک جهانی، شدت انرژی در ایران از ۷ مگاژول به ازای هر دلار تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۰۰ به ۹ مگاژول تا انتهای سال ۲۰۲۱ رسیده که این عدد برای جهان از ۶ مگاژول به ۵ مگاژول کاهش یافته است. به عبارتی، شاخص شدت انرژی در ایران حدود ۵۰ درصد بالاتر از میانگین جهانی بوده و ۴ برابر ترکیه است. بر اساس داده‌های اداره اطلاعات انرژی آمریکا نیز، شدت مصرف انرژی در ایران طی سالهای ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۳ با رشد چشمگیر ۷۵ درصدی همراه بوده، این در حالی است که شدت مصرف انرژی در سطح جهانی در همین دوره ۳۵ درصد کاهش یافته است. درخصوص اینکه چرا شدت مصرف انرژی در ایران زیاد است، به طور مختصر می‌توان گفت، اولین و مهم‌ترین متهم این موضوع، پارانه سنگین در حوزه انرژی است. اوزان بودن انرژی، علاوه بر اینکه رفتارهای مصرفی غیر مسئولانه را در بخش خنوار تشویق می‌کند، در بخش صنایع عملاً هیچ انگیزه‌ای برای بهبود کارایی و افزایش استانداردها برای تولید لوازم و وسایل گرمایشی، سرمایشی، خودرو، لوازم برقی و هر تجهیزاتی که انرژی مصرف می‌کند، باقی نمی‌گذارد. مورد دوم، ساختار اقتصاد است. اقتصاد ایران وابسته به صنایع انرژی بر مانند پتروشیمی، فولاد و سیمان است. مورد سوم، فرسودگی تجهیزات و تأسیسات در صنایع است. عدم سرمایه‌گذاری در به‌روزرسانی صنایع، مصرف انرژی را افزایش داده است. عدم تنوع بخشی به سبد مصرفی انرژی کشور و کم‌توجهی به توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر منجر به وابستگی شدید به نفت و گاز در ایران شده است.

هدررفت برق چقدر است؟

هدررفت برق را در دو بخش باید بررسی کرد؛ بخش اول مربوط به تلفات انرژی در زمان تولید، توزیع و انتقال بوده و بخش دوم مربوط به مصرف بالا در بخش‌های اقتصادی و مصارف خانوار است. بخش تلفات انرژی شامل سه بخش بوده که اولی تلفات انرژی در بخش تولید، دومی تلفات شبکه توزیع برق و سومی تلفات شبکه انتقال است. براساس گزارش رسمی شرکت توانیر، تلفات انرژی در شبکه‌های توزیع برق حدود ۹٫۷ درصد و در شبکه‌های انتقال حدود ۲٫۶ درصد است. براساس برآوردهای این شرکت، بیش از

نیمی از تلفات در شبکه‌های توزیع برق به «تلفات غیرفنی» اختصاص دارد. علت تلفات غیرفنی» استفاده غیر مجاز از برق شامل انشعاب‌های غیرقانونی و فاقد کنتور است. دربخش خانوار و بنگاه‌های اقتصادی آمارهای مختلفی برای مصرف برق ارائه شده‌است، گرچه ده موضوع شدت انرژی مشخص شد مصرف ایران بسیار بالاتر از سرانه جهانی است، برخی آمارها از مصرف برق در بخش صنعت ایران نیز حکایت از آن دارد که این مقدار حدود ۲۰ تا ۴۰ درصد بالاتر از استانداردهای بین‌المللی برای تولید است.

راندمان ۲۹ تا ۴۰ درصدی نیروگاه‌ها

یکی از مصایق تلفات یا هدررفت انرژی در بخش تولید، هدررفت آن در قالب مصارف نیروگاهی است. این هدررفت عمدتاً به واسطه استفاده از نسل قدیمی نیروگاه‌است، موضوعی که خود از قیمت‌های پایین سوخت عرضه شده به نیروگاه‌ها و قبل از آن به پایین نگهداشتن قیمت انرژی برای مصارف مختلف (خانوار و بنگاه‌ها و...) بر می‌گردد که درنهایت منجر به تضعیف توان اقتصادی مالکان نیروگاه‌های تجهیز نیروگاه‌ها و بازسازی و نوسازی تجهیزات و عادت کردن به زیست با گاز و گازوئیل از ران است. براساس گزارش ترازنامه انرژی کشور، در سال ۱۴۰۱ راندمان نیروگاه‌های حرارتی تحت پوشش وزارت نیرو به این شکل بوده است. در نیروگاه‌های بخاری ۳۶٫۸ درصد، در نیروگاه‌های گازی ۲۸٫۹ درصد، در نیروگاه‌های سسپکل ترکیبی ۴۴٫۸ درصد، در نیروگاه‌های دیزلی ۳۲٫۸ درصد، در نیروگاه اتمی بوشهر ۳۳ درصد و در نیروگاه‌های حرارتی وزارت نیرو ۳۶٫۴ درصد است.

در نیروگاه‌های بخش خصوصی نیز، در بخش نیروگاه‌های بخاری ۳۶٫۱ درصد، در نیروگاه‌های گازی ۳۳ درصد، در نیروگاه‌های سیکل ترکیبی ۴۵٫۳ درصد و میانگین کل راندمان نیروگاه‌های خصوصی حدود ۴۰ درصد بوده است. جمع نیروگاه‌های حرارتی کشور (وزارت نیرو و بخش خصوصی) ۳۹٫۱ درصد بوده است. همچنین میانگین راندمان نیروگاه‌های صنایع بزرگ کشور نیز نزدیک به ۳۲ درصد است. این اعداد با عدد ۴۵ تا ۴۷ درصدی راندمان کل نیروگاه‌ها در جهان فاصله‌دار و در بر اساس مصاحبه یک کارشناس حوزه انرژی، همین مورد باعث می‌شود که سالانه حدود ۶۵ میلیارد متر مکعب گاز هدر رود.

راندمان آب دربخش کشاورزی یک سوم میانگین جهانی

درحالی‌که کاهش بارش و خشکسالی، عوامل اولیه بحران آب در ایران هستند، بررسی‌های کارشناسی نشان می‌دهد عامل بنیادین بحران آب در کشورمان، بی‌توجهی مزمن به اقتصاد آب و اشتباهات سیاست‌گذاری در دهه‌های گذشته است. نادیده گرفتن منطق اقتصادی، زمینه‌ساز بروز بحران‌های ثانویه ای شده که امروز تحت عنوان نازاری آبی، مصرف بی‌رویه، هدررفت و آب بدون درآمد شناخته می‌شوند.

نمونه قابل تأمل هدررفت آب، هدررفت آن در بخش کشاورزی است. براساس گزارش‌های رسمی، بخش کشاورزی تقریباً ۹۰ درصد از کل مصرف آب ایران را به خود اختصاص می‌دهد. در پژوهشی که با عنوان «خودکفایی غذایی آینده در ایران، تحلیلی مبتنی بر مدل» توسط ۵ پژوهشگر انجام شده، آمده است در سال‌های اخیر، برداشت آب برای کشاورزی حدود ۸۶ میلیارد مترمکعب در سال بوده، درحالی‌که سطح برداشت پایدار آب باید حدود ۶۱٫۷ میلیارد متر مکعب در سال باشد؛ بنابراین تفاوت حدود ۲۴٫۳ میلیارد مترمکعبی که معادل ۳۹ درصد از آب مصرفی بخش کشاورزی بوده، ناشی از برداشت غیر مجاز است. البته موضوع مصرف آب در بخش کشاورزی ایران فقط برداشت‌های غیر مجاز نیست. بر اساس گزارش‌های رسمی، بخش قابل توجهی از مصارف آب در بخش کشاورزی ایران به صورت آبیاری سطحی (غرقابی و کرتی) بوده و بخش کوچکی به صورت آبیاری بارانی و آبیاری قطره‌ای است. نکته قابل تأمل این‌که، راندمان تقریبی آبیاری در بخش آبیاری سطحی حدود ۳۰ تا ۵۰ درصد، در بخش بارانی ۶۰ تا ۸۰ درصد و در بخش قطره‌ای ۹۰ تا ۹۵ درصد است. در برخی گزارش‌ها، میانگین راندمان آبیاری در ایران بین ۴۰ تا ۴۵ درصد عنوان شده است.

بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، شاخص بهره‌وری آب کشاورزی ایران تنها ۵ دلار به‌ازای هر مترمکعب آب و این شاخص در کشورهای توسعه‌یافته (همچون اعضای OECD) ۵۶ دلار است.

۳۰ درصد آب کشور کم می‌شود

درحالی‌که ایران در یک منطقه نیمه‌خشک واقع شده و به‌صورت تاریخی با چالش آب روبه‌رو بوده؛ اما برخی آمارهای رسمی حکایت از بی‌توجهی ایرانی‌ها به موضوع محدودیت آب دارد. برای مثال، آمارها می‌گویند تهرانی‌ها روزانه بین ۲۰۰ تا ۲۵۰ لیتر آب مصرف می‌کنند؛ عددی که دوبرابر میانگین جهانی است. از سوی دیگر نیز آمارهای موجود دارد که از مصرف ۴۶۰ لیتر در محله‌های شمالی شهر تهران حکایت می‌کند؛ اعدادی که احتمالاً بخشی از آن برای تأمین استخر و جکوزی‌ها و سایر مصارف غیرشرب مصرف می‌شود.

نمونه دیگر و قابل تأملی از هدررفت آب، موضوع «آب بدون درآمد» است. بر اساس گزارش وزارت نیرو در تابستان‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳، بیش از ۲۸ درصد از آب توزیعی (آب شرب تولیدی) در مناطق شهری کشور تحت عنوان «آب بدون درآمد» از دست می‌رود. این آب از لوله‌ها نشت می‌کند یا کنتور ها دست‌کاری شده یا انشعاب غیر مجاز از لوله‌های اصلی شهر ایجاد شده و یا نهایتاً بخشی هم مربوط به استفاده رایگان نهادهای عمومی مانند شهرداری‌ها و دستگاه‌های دولتی است.
علاحد ۲۸ درصد مربوط به میانگین کشوری بوده و این عدد در دو استان خوزستان و کهگیلویه و بویراحمد ۵۰ درصد و در ۱۳ استان بالای ۳۰ درصد است.

مصرف نان ۲ برابر سرانه جهانی

گندم اصلی‌ترین ماده غذایی مورد مصرف خانوارهای ایرانی با قوت غالب سبب مصرفی آن‌هاست. درخصوص مصرف نان، داده‌های رسمی و مستند مشخصی از میزان مصرف میانگین نان در سطح جهانی وجود ندارد؛ اما اگر میزان مصرف سرانه گندم در کشورها را شاخص و نشانه‌ای از مصرف نان در نظر بگیریم، طبق گزارش سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) و سازمان خوار و بار و کشاورزی ملل متحد (فائو) میانگین مصرف سرانه گندم در جهان در دوره ۲۰۲۱-۲۰۱۲ ۶٫۸۵ کیلوگرم بر آوره شده است. نگاهی به صورت‌های مالی شرکت بازگانی دولتی ایران نیز نشان می‌دهد سرانه مصرف گندم در ایران طی دو سال اخیر حدود ۱۲۳ کیلوگرم بوده است. با این حساب، سرانه مصرف گندم در ایران بیش از ۲ برابر میانگین جهانی است.

برخی آمارها مدعی هدررفت سسالانه حدود ۲ میلیون تن نان در کشور است. رقمی که معادل ۲۰ درصد از کل مصرف گندم کشور می‌باشد. گرچه نمی‌توان این عدد را تأیید کرد؛ اما حجم نانی که به‌دست خریداران نان خشک می‌رسد و حجم بالای تبدیل نان به خوراک دام و طیور نشان می‌دهد هدررفت نان در کشور دقیقاً رقم درشتی است. اما دو متهم اصلی این فاجعه ملی، به‌طور مستقیم به سیاست‌گذاری قدرت‌های دستوری دولت گره خورده‌اند. عامل اول، استفاده از آرد نامرغوب و جایگزینی مواد مضر مانند جوش شیرین و همچنین حذف سبوس از نان بوده که باعث می‌شود نان تولیدی به‌سرعت بیات و غیر قابل مصرف شود. عامل دوم نیز تزریق پارانه پنهان به نان است که از راه کالایی بسیار ارزان تبدیل کرده. این ارزانی، ارزش ذاتی نان را در نگاه مصرف‌کننده پایین آورده و منجر به خرید بیش از نیاز و درنهایت دورریز بالای آن شده است. درخصوص پارانه پنهان، بررسی‌ها نشان می‌دهد از سال ۱۳۹۳ تاکنون قیمت آرد تحویلی به نانوایان تقریباً ثابت و روی عدد ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ تومان در هر کیلوگرم مانده است. عددی که فاصله ۹٫۸ درصدی با قیمت خرید تضمینی گندم دارد. این شکاف که باعث دورریز زیاد، تبدیل نان به خوراک دام و خروج بخشی از آرد از چرخه توزیع رسمی شـده و تبعات و حـشتناکـتر دیگری نیز داشته، حجم پارانه‌ای است که دولت سالانه از جیب خود می‌دهد. پارانه‌ای که اگر در قالب اقلام خوراکی با ارزش‌تر (به لحاظ کالری) داده می‌شد، می‌توانست سلامت خانوارهای کم‌درآمد دسترسی آن‌ها به غذای بهتر را فراهم سازد.

بر اساس صورت‌مالی شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران، دولت طی سال ۱۴۰۳ بیش از ۱۲٫۳ میلیون تن گندم به ارزش نزدیک به ۲۰۰ هزار میلیارد تومان از کشاورزان خریداری کرده و درنهایت آن را به قیمت ۳۶٫۲ همت به نانوایان و مصارف صنف و صنعت فروخته است. طبق این صورت مالی، دولت از خرید و فروش گندم طی سال ۱۴۰۳ حدود ۱۷۲ هزار میلیارد تومان زیان متحمل شده است. در همین خصوص اخیراً سیدمحمدرضا مرتضوی، رئیس اتاق اصناف ایران می‌گوید شکاف قیمت در موضوع آرد ۴۰ برابر بوده و این محصول حالا یکی از پرسودترین فعالیت‌های غیرقانونی در کشور است؛ به‌گونه‌ای که سود آن از چاقای هروتن نیز بیشتر شده است.

هدررفت ۳۰ درصدی بخش غذا و کشاورزی

یکی دیگر از بخش‌هایی که هدررفت در آنها بسیار بالاست، بخش کشاورزی و غذاست. طبق مطالعات مختلف، بیشتر این اتلاف‌ها پیش از مرحله مصرف و به دلیل مشکلات حمل‌ونقل و لجستیک و عدم برنامهریزی مناسب دولت در حوزه کشت‌پشتی فقدان الگوی کشت و درنهایت به دلیل عدم پست‌بندی مناسب، هز بیه‌بالا یا فقدان ابزارها و سردخانه‌های کافی رخ می‌دهند. براساس گزارش‌های مطالعاتی، میزان تقاضای جمعیت انسانی کشور برای محصولات مختلف کشاورزی حدود ۱۵۲ میلیون تن (برحسب وزن تر در مزرعه، باغ، کشتزارگاه یا مرکز پرورش دام) برآورد شده است. در مقابل این نیاز، میزان تولید محصولات کشاورزی (گیاهی و دامی) کشور ۱۳۲ میلیون تن است که از این میزان حدود ۱۱۰ میلیون تن آن محصولات گیاهی بوده ۲۲ میلیون تن نیز محصولات حیوانی است. طبق برآوردها، ۳۰ میلیون تن از ۱۳۲ میلیون تن تولیدات کـشـاورزی کشور به صورت تلفات و ضایعات هدر می‌رود که طبیعتاً در تولید آن زمین، آب و انرژی به کار رفته

۱۰ شاخص از هدررفت منابع



است. این میزان هدررفت که حدود ۲۳ درصد از کل محصولات کشاورزی تولیدی داخل کشور است، معادل هدررفت ۲۴ درصد از کل سطح زیر کشت کشور و یا ۳۲ درصد از کل آب اختصاص یافته به بخش کشاورزی و یا معادل غذای ۱۸ میلیون نفر از جمعیت کل کشور است.

سرانه انرژی بخش ساختمان ۲ برابر جهان!

در بخش ساختمان دو گونه هدررفت را می‌توان مشاهده کرد. اولی، مربوط به خانوار و بنگاه‌هاست. ارزان بودن قیمت انرژی در کشور، انگیزه چندانی برای مدیریت مصرف باقی نگذاشته است. بخش دوم مربوط به وسایل، لوازم و تجهیزات مورد استفاده بوده که از استاندارد کافی برخوردار نیستند. مجموع این دو، منجر به افزایش شدید مصرف در بخش ساختمان (اعم از مسکونی، اداری، تجاری و غیره) شده است. در بخش خانوار و بنگاه‌ها و ادارات، عدم توجه به سیاست‌گذاری اقتصاد برق منجر به افزایش شدید مصرف شده است. براساس داده‌های رسمی وزارت نیرو، سهم ۳۰۰ کیلووات ساعت مصرف برق (الگوی مصرف ماهانه فعلی) از هزینه خانوار در سال ۱۳۵۲ حدود ۶٫۶ درصد بوده که این مقدار در سال ۱۴۰۲ به ۰٫۲۳ درصد رسیده است.

این موضوع علاوه بر اینکه توان دولت و بخش خصوصی را برای افزایش تولید برق تخریب کرده، موجب شده تنها خانوار انگیزه چندانی برای کاهش مصرف نداشته باشد، در سمت دیگر، موجب شده تولیدکنندگان لوازم خانگی (از بخاری تا کولر و لوازم برقی و گازی) نیز انگیزه‌ای برای افزایش استانداردهای مصرف انرژی نداشته باشند. تخریب اقتصاد برق و اوزان فروشی انرژی حتی به استانداردهای شوری و ساخت‌وساز نیز سرایت کرده است. عایق‌بندی نامناسب با عدم عایق‌بندی دیوارها و سقف، استفاده از پنجره‌ها و درهای با کیفیت بسیار پایین، درزگیری نامناسب در اطراف پنجره‌ها و درها، استفاده از شیشه‌های تک‌جداره و استفاده از سیستم‌های گرمايشی و سرمایشی با راندمان پایین از جمله دلایلی است که مصرف انرژی را در بخش ساختمان به‌شدت افزایش می‌دهد. نتیجه عدم رعایت استانداردها در بخش ساختمان این بوده که ایران به پنجمین پر مصرف در جهان در بخش ساختمان تبدیل شده است، به طوری که براساس آمارهای داده‌های آژانس بین‌المللی انرژی (IEA) در سال ۲۰۲۰ مجموع انرژی مصرفی در بخش ساختمان ایران (خانگی) ۲۲۳ پتاژول انرژی بوده است. نکته جالب توجه ماجرا اینجاست که ایران با ۸۲ میلیون نفر جمعیت در سال ۲۰۲۰ و مصرف حدود ۲۲۳ پتاژول انرژی در بخش ساختمان، سرانه‌ای برابر با ۲٫۷ پتاژول به ازای هر یک میلیون نفر را ثبت کرده و پس از چهار کشور واقع در نقاط سردسیر جهان، پنجمین سرانه را بین ۴۷ کشور دنیا داراست. عدد ۲٫۷ پتاژول به ازای هر یک میلیون نفر در ایران درحالی است که ترکیه با جمعیت مشابه ایران دارای سرانه ۳٫۵ پتاژول به ازای هر یک میلیون نفر بوده است.

همچنین آمارهای حاصل از ترازنامه انرژی وزارت نیرو حاکی است که در سال ۱۴۰۰،

سرانه مصرف نهایی انرژی ایران ۱٫۸ برابر متوسط سرانه مصرف نهایی جهانی است.

همچنین در سال ۱۴۰۰، سرانه مصرف نهایی انرژی ایران در بخش خانگی ۲٫۱ برابر

میانگین جهانی بوده است.

مصرف خودروها ۲۰ تا ۳۰ درصدی بالاتر از میانگین جهانی

یکی دیگر از بخش‌هایی که هدررفت انرژی در آن نسبتاً بالاست، مصرف بنزین و گازوئیل در خودروهاست. براساس برخی گزارش‌ها، متوسط مصرف گازوئیل در کامیون‌های سنگین ایران بین ۶۰ تا ۶۰۰ لیتر در ۱۰۰ کیلومتر است. این در حالی است که میانگین جهانی آن ۳۵ تا ۴۰ لیتر ذکر شده است. همچنین طبق گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، در ایران به ازای هر نفر روزانه حدود ۰٫۹۵ لیتر بنزین و حدود ۰٫۸۸ لیتر گازوئیل مصرف می‌شود که این مقدار تقریباً ۲ برابر متوسط جهانی است. درخصوص بنزین، براساس آخرین گزارشی که شرکت پهنه‌سازی مصرف سوخت کشور در سال ۱۳۹۵ منتشر کرد، میانگین مصرف سوخت در خودروهای داخلی و موتازبی ۶٫۵ تا ۷٫۵ لیتر و در چند خودروهای از جمله وانت‌ها تا ۹ و ۱۰ لیتر نیز در ۱۰۰ کیلومتر بوده است. البته این عدد مربوط به همه خودروهای تولیدی در آن سال بوده و شامل خودروهای در حال تردد همچون خودروهای فرسوده نمی‌شود.

همچنین براساس برخی گزارش‌ها، میانگین مصرف کل خودروهای کشور به ۹٫۲ لیتر در ۱۰۰ کیلومتر می‌رسد، عددی که در سطح دنیا حدود ۷٫۲ لیتر در ۱۰۰ کیلومتر است. به عبارتی، میانگین کل مصرف حدود ۲۸ درصد و با کنار گذاشتن خودروهای غیرمسواری، این عدد حول و حوش ۲۰ درصد از میانگین دنیا بیشتر می‌سوزاند.
بالحاظ مصرف روزانه ۱۲۴٫۵ میلیون لیتر بنزین در سال ۱۴۰۳، طی کال گذشته روزانه حدود ۲۵ میلیون لیتر بنزین بیشتری نسبت به استانداردها مصرف شده است. این میزان تقریباً ۲ برابر میزان واردات بنزین در سال گذشته بوده است.

مدیرمسئول:

■ محمدامین ایمانجانی

قائم‌مقام مدیرمسئول:

■ مسعود فروغی

سرردبیر:

■ محمد زعیم‌زاده

تلفن و فکس:

■ ۰۲۱) ۶۲۹۹۹۴۹۵

کدپستی:

■ ۱۱۳۵۶۳۳۸۱۶

چاپ:

■ چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی

نشانی:

■ خیابان حافظ، پایین‌تر از جمهوری

رویموئی ساختمان بورس

ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم

